

# در احوال و اندیشه‌های هانری کربن



انتشارات هرمس



انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران

## فهرست

هفت	.....	پیشگفتار
۱	.....	آغاز
		بزرگ نادرزاد
۷	.....	دیداری با هانری کربن
		سید جلال آشتیانی
۱۱	.....	«عالم مثال» از دیدگاه هانری کربن
		غلامحسین ابراهیمی دینانی
		هانری کربن و حکمت متعالیة شیعه
۱۷	.....	حسن سید عرب
۴۲	.....	خرد، حکمت و جنون در تصوف شبی
		پی بر لوری: فاطمه ولیانی
۵۷	.....	پژوهش در نوع‌شناسی روایات ملاقات با امام غایب (ع)
		محمدعلی امیر معزی
۸۵	.....	در ضیافت عالم معنوی
		یحیی بونو، ترجمه: غلامرضا ذات علیان
۱۱۵	.....	مدخلی بر اندیشه فلسفی یوهان گنورگ هامان
		رامین جهانبگلو
۱۳۱	.....	نکاتی چند در مورد نیچه «اشراقی»
		حامد فولادوند
۱۳۵	.....	دیدارهای هانری کربن
		داریوش شایگان

## پیشگفتار

انتخاب مضمون گردهمایی روزهای ۸ و ۹ آبان ماه ۱۳۷۴ که زیر عنوان «درباره آثار هانری کربن» برگزار شد، جنبه‌ای نمادین دارد. این فیلسوف فرانسوی پس از دهها سال کار و مطالعه در فرانسه، با شناختی عمیق از فلسفه غربی، به ایران آمد تا فلسفه اسلامی و بویژه فلسفه ایرانی را کشف کند، آن را از نزدیک بشناسد، درک کند و سپس به دیگران بشناساند. در نتیجه تلاش‌های او، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی (۱۹۴۷ میلادی) تأسیس شد که پاسخی به این طرح بلندپروازانه بود: مطالعه و پژوهش در ایران، غالباً با همکاری پژوهشگران ایرانی، و چاپ و پخش آن مطالعات در ایران و در آن سوی مرزهای این کشور. بیست و دو جلد از این مطالعات به هنگام حیات هانری کربن در مجموعه «گنجینه نوشت‌های ایرانی» که او در تهران بنیان گذاشت به چاپ رسید که شمار بسیاری از کتابهای منتشر شده در فرانسه و دهها مقاله رانیز می‌توان به این آثار افزود.

در گفتارهای کتاب حاضر، اندیشمندان به صحبت درباره آثار هانری کربن و بویژه مضماین مهمی که وی مطرح کرده پرداخته و در مورد آنها بحث کرده‌اند. متن حاضر تنها یک یادنامه نیست، بلکه مجموع مقالاتی است با مضماین زنده. بررسی و بلکه نقد دستاوردهای مهم و بدیع هانری کربن، زیباترین بزرگداشت برای این فیلسوف و آثارش به شمار می‌آید.

پیش از تصمیم به برگزاری این گردهمایی، بحثهای دوستانه‌ای با همکاران ایرانی خود داشتیم که علاقه‌مند به ترتیب دادن چنگی از مقاله‌ها به مناسبت بزرگداشت هانری کربن بودند. برای انجمن ایران‌شناسی فرانسه، این فرصت مغتنمی بود تا بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از بنیانگذار خود به جای آورد و در تداوم آثارش سهیم باشد. پس، بهتر دانستیم نویسندهای مقاله‌های این چنگ را گرددem آورده، امکان

بحث را نیز فراهم کنیم. اضافه بر این، به جهت گسترش و پویایی بیشتر این برنامه تصمیم گرفتیم با همکاری پروفسور یان ریشار، استاد دانشگاه سوربن (پاریس) و مدیر مؤسسه مطالعات ایرانی، در ادامه گردهمایی تهران، دومین گردهمایی را در پاریس برگزار کنیم. این گردهمایی که در ژوئن ۱۹۹۷ تشکیل خواهد شد نه فقط گردهمایی نخستین را تکمیل خواهد کرد، بلکه به اندیشمندانی که نتوانستند در تهران حضور یابند امکان می‌دهد که این تأملات را غنا بخشنند.

انتشار این اثر به زبان فارسی مشارکت ناچیزی در تلاش، جهت شناساندن آثار هانری کربن به گروه گستردۀ تری از علاقه‌مندان ایرانی است. در عین حال، این امکان را فراهم می‌کند تا اندیشه‌دهای از پژوهشگران فرانسوی درباره هانری کربن در ایران انتشار یابد؛ و به همین ترتیب نشر گزارش گردهمایی پاریس به زبان فرانسوی تلاشی خواهد بود جهت شناساندن تحقیقات پژوهشگران ایرانی در آن سوی مرزهای این کشور.

در پایان، می‌خواهم از کسانی که در موقعیت این گردهمایی سهیم بوده‌اند قدردانی کنم: آقایان دکتر جواد طباطبایی و دکتر حامد فولادوند از بنیاد دائرة المعارف اسلامی که تشکیل این گردهمایی به ابتکار و پشتکار آنان به انجام رسید، پژوهشگران انجمن ایران‌شناسی فرانسه بویژه آقای رامین جهانبگل که مسئولیت برقراری ارتباط با اندیشمندان ایرانی، تنظیم برنامه و ترجمه‌ها را بر عهده داشتند، و خانم شیرین بنی‌احمد، مدیر انتشارات انجمن ایران‌شناسی فرانسه که امر آماده‌سازی کتاب را انجام دادند و آقای محمد اکبری مسئول امور اداری انجمن که وظیفه تدارکات این گردهمایی بر عهده ایشان بود.

این گردهمایی دو روزه که پس از سالها نخستین جلساتی بود که در انجمن ایران‌شناسی فرانسه برگزار می‌شد، نشستهای سودمند دیگری را نیز به همراه داشت و عامل محركه‌ای بود در برنامه‌ریزی و راهاندازی یک سلسله سخنرانی و سمینارهای تخصصی که هم‌اکنون به طور منظم تشکیل می‌شوند. انجمن ایران‌شناسی فرانسه امیدوار است که با همکاری دیگر نهادهای پژوهشی در ایران بتواند سهم مؤثری در گسترش و پویایی پژوهش در زمینه دنیای ایرانی – چه گذشته و چه حال – و ایجاد هماهنگی بین پژوهشگران ایران‌شناس تمامی کشورها داشته باشد.

# آغاز

## بزرگ نادرزاد

نویسنده این سطور تبحری در آراء و آثار هائزی کربن ندارد و خوانندگان به سهولت این نکته را در خواهند یافت.<sup>۱</sup> اما اگر برگزارکنندگان جلسه بررسی «زندگی و اندیشه‌های کربن» را مفترخ کرده و از بندۀ خواسته‌اند تا این متن کوتاه را تهیه کنم، شاید به این جهت بوده که می‌دانسته‌اند من، هم روابط دوستی خانوادگی با ایشان داشتم و هم روابط شخصی و مناسبات اداری، در زمانی که ایشان در مدرسه مطالعات عالیه دانشگاه پاریس درس می‌دادند.

علاوه بر این ملاحظات، بندۀ از قدیم‌الایام به بعضی جنبه‌های تحقیقات کربن علاقه‌مند بودم و این دلبستگی دو جهت داشت:

اول آنکه به نظرم چنین می‌آمد که حاصل پژوهش‌های کربن در حکم کلیدی مطمئن و ارزشمند برای باز کردن ابواب روح و نظام معنوی ایرانی و تماشای درون و فهم محرکات عمیق و مقولات صوری و شکل‌بندی آن خواهد بود. در اواسط قرن نوزدهم میلادی فرانسوی نامدار و ایران‌دوست دیگری به نام آرتور دوگوینتو درباره مقولات نفسانی و خصوصیات روان‌شناسی ایرانیان تحقیقات سودمندی کرد.

۱. رساله جامع‌الاطرافی در خصوص آراء هائزی کربن از سوی آقای داریوش شایگان به فرانسه نشر یافته است:

Daryush Shayegan, *Henry Corbin, La topographie spirituelle de l'Islam iranien*, Paris, 1990.

[ترجمه فارسی: هائزی کربن: آفاق معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر پرهام، چاپ دوم، نشر فریزان روز، تهران ۱۳۷۴.]

دوم آنکه طرز نفوذ بعضی عناصر مربوط به ادیان ایران باستان (مثل مهرپرستی، مزدابرستی، مانویت، زروانپرستی...) و رسوخ و جذب آن در پیکر دین جدید به نظر من شایان توجه خاصی بود، زیرا دیری نباید که همین عناصر بومی ایرانی، اسلام مقبول ایرانیان را با اسلامی که در سایر نقاط جهان بر مسند ارشاد نشست متفاوت کرد.

روی همین اصل، این که هانری کربن چکیده دهها سال تحقیق و تفکر خود را در چهار جلد کتاب تحت عنوان درباره اسلام ایرانی<sup>۱</sup> ریخته، دلیل روشنی است بر اینکه نویسنده به عواقب بالقوه این گونه نامگذاری بی‌سابقه کاملاً آگاه بوده، چرا که این چهار جلد با این عنوان بدون ابهام، زمینه‌ای علمی و استدلالی به دست می‌دهد تا پژوهندگان جوان ایرانی بتوانند بر هویت فرهنگی خود تأکید کنند و بر ضرورت آشکار کردن تفاوت‌های میان اسلام ایرانی و اسلام غیر ایرانی پافشاری کنند. کربن در تحقیقات خود سعی کرده تا پیوستگی مبانی فلسفی زرتشتی و اسلامی و نیز مناسبات تمثیلی (analogique) میان صور اصلیه (archétype) این دو و اساطیر قدسی آنها را نشان دهد؛ و در همین باره می‌گوید:

نقل و انتقال فلسفه مزدایی به فلسفه اسلامی، به اصطلاح موسیقیدانها، در حکم پیمودن یک اکتاو<sup>۲</sup>، یعنی پیمودن فاصله میان دو گام صوتی است که در عرصه معنوی ایران انجام گرفته است. یعنی این دو نظام فکری به هم آمیخته‌اند و مضمون واحدی را بسط و توسعه داده‌اند؛ و اتفاقاً مشکلی که سر راه ما قرار داشت همین بود، یعنی تحقیقاتی که پنجره‌ای بر روی چشم انداز واحد این مجموعه باز کنند و نشان بدنهند که اجزای مقدم این کل چگونه با هم مرتبط می‌شوند بسیار نادر بود. از این رو لازم بود که ما اول به تحلیل مزدابرستی یعنی حکمت زرتشتی بپردازیم و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم،

1. Henry Corbin, *En islam iranien. Aspects spirituels et philosophiques*. 4 tomes, Gallimard, Paris, 1971-1973.

۲. اکتاو یا «هنگام» در اصطلاح صوت‌شناختی، واحد نظری فاصله‌ای صوتی و آن فاصله دو صوت است که ارتفاع یکی دو برابر ارتفاع دیگری باشد (ادارة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، ج ۱).

عالیم فرشتگان مَرْدَیَسْنا، سیمای شخصیتها و صور اصلیه‌ای را که مظہر و جلوه‌گاه تقدس اینها هستند توصیف (پدیدارشناسانه) بکنیم. بعد از این می‌باشد راهی تعییه کنیم که ما را از مضمون مورد ملاحظه در اینجا، یعنی از ایران مزدایی به ایران اسلامی برساند.<sup>۱</sup>

هانزی کرین عمر خود را صرف این کرد تا عناصر پدیدآورنده این سیستم فکری را که با نظام فکری اهل مدرسه در اروپای قرون وسطی بی‌شباهت نیست توضیح دهد و تصورات کلی آن را به هم وصل کند. بدیهی است که محقق فرانسوی ما با این پژوهشها در راهی قدم گذاشت که قبل از او هیچ‌کس آن را نیازمنده بود و حاصل تأملات وی اثری فاخر و افزون از قدر و قیمت شد که سخاوتمندانه به ایران هدیه کرد.

هیچ‌کس بهتر از کرین نمی‌توانست گنجینه سنن معنوی ایران را به جوانان ایرانی نشان دهد و ذهن آنها را مُخْبِر کند به اینکه بفهمند چگونه این سیستم فکری که به آنها به ارث رسیده، با «تخیل فعال» و «عالیم مثال» عارفان سر و کار دارد، به طوری که اهداف رفیع نظام انسان مدار همین عرفاً مانع فهمیدن مبانی «تجدد» و بازگشت مجدد ایران به صحنه تاریخ عالم می‌شود.

به همین جهت قشری از اندیشمندان ایرانی که قائل به احیای اعتبار و مداومت فرهنگ ملی خود است، سپاسگزار هانزی کرین هستند زیرا حاصل تحقیقات یک عمر خود را در اختیار آنها قرار داد. آثار کرین در حکم نورافکنی است که رکود و جمود فکر در ایران و علل و اسباب ادامه حیات و ماندگاری ذهنیات قدیمی و کهنه مردم ایران را به صورت غیر مستقیم نمایان می‌کند.

هانزی کرین در یک سخنرانی تحت عنوان «پیام فلسفه ایران» می‌گفت که عالی‌ترین وظیفه انسان در سنت معنوی ایران این‌طور تعریف شده:

1. Henry Corbin, *Terre céleste et corps de résurrection. De l'Iran Mazdéen à l'Iran Shiïte*. Buchet-Chastel, Paris, 1960.

[ترجمه فارسی: ارض ملکوت: از ایوان مزدایی تا ایوان شیعی، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۷۴.]

شناخت، معرفت است و معرفت، عرفان است و عرفان، رهابی بخش انسان است. ابزار این شناخت در انسان، عقل قدسی است و این عقل قدسی، داده‌های مادی را که توسط حواس اخذ می‌شوند می‌گیرد و آنها را به صور معنوی تبدیل می‌کند. این صور معنوی در عوالم مثالی ذهن اصحاب کشف و شهود ظاهر می‌گردند؛ و به همین جهت است که حکیم اعظم ملاصدرا شیرازی گفته است که هرگونه ادراک حسی از مجرای عالم مثال رد می‌شود و به ادراک معنوی تبدیل می‌گردد.

کسب عالی‌ترین معرفت، برای انسان ضروری است زیرا اگر نیک بنگریم فعل معرفت در واقع فعلی عاشقانه است که باعث رستاخیز و بازگشت کلیه کائنات به مبدأ معنویشان می‌شود و مفهوم معاد همین است و معاد یعنی بازگشت و دوباره به جهان آمدن و غرض از این جهان، همان نفس زندگی است و گمان می‌کنم که این قضیه تغییر صورت و دگرگونه کردن جهان، حتی یک لحظه افق معنویت ایران را ترک نگفته و از جهان‌شناسی زرتشتی (مفهوم فراشکرت در متون پهلوی) تا جهان‌بینی شیعه امامیه با سماحت اظهار وجود کرده است.<sup>۱</sup>

با این وصف و به رغم «مطرح بودن» و امروزین بودن آثار کربن، بعضی از بزرگان و منتقدان ایرانی مدعی هستند که کربن شاید کمی از صراط عینیت و عدم جانبداری، که لازمه فن مورخ فلسفه است، بیرون افتاده و چه بسا به جنبه غنوی و عرفانی سنت فکری ایرانی زیادتر توجه کرده است. اگر ساختمان فکری ایران را به شکل کوهی بلند فرض کنیم، یک دامنه آن پوشیده از رشحات عرفانی است ولی دامنه دیگر آن را اندیشه تعلقی این‌سینا و فارابی و رازی و خواجه نصیرالدین طوسی و اخوان الصفا اشغال کرده که کربن به حد کفايت به آنها توجه و عنایت مخصوص نکرده است.

به هر تقدیر و به نظر بنده تأثیفات هانری کربن، برای فرهنگ ایران منشأ یک

۱. هانری کربن، فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، ترجمه دکتر سیدجواد طباطبائی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران و نشر توس، تهران ۱۳۶۹، ص ۱۳۵.

خیر و برکت اساسی بوده و این خیر و برکت بر دو گونه است که ماهیت آن دو کاملاً متفاوت است:

خیر اول مرتقب به این است که خدمت مهمی به علم کرده، یعنی از این به بعد تاریخ جهانی فلسفه دیگر نمی‌تواند دستاورد هزار سال تفکر اسلامی و خصوصاً دستاورد اندیشه ایرانی-اسلامی را ندیده بینگارد و از تخصیص بخشها بی به اراثه مباحث آن سر باز زند.

خیر ثانوی، کار هائزی کردن در این است که از طریق نشر آثار خود، «قشر اندیشمند» کشور ما را به طرزی غیر مستقیم از عرصه جزمهٔ جمود درآورد — مثل هیوم که کانت را از خواب جسمی خود بپرون کشید — یا به هر صورت زمینه آن را فراهم آورد.

اما چگونه این قضیه به تحقق پیوست؟ حقیقت این است که اگر آثار کردن به یک زبان غربی و منطبق با روشهای موشکافانه پژوهش‌های فلسفی صورت واقع نمی‌پذیرفت، آن «قشر اندیشمند»، به زودی و آسانی یک نظر جامع روشی در خصوص سنت فلسفی خود پیدا نمی‌کرد و در همین حال نمی‌توانست ارزیابی کند که این افکار تا چه حد در جهت خلاف روند زمانه قرار دارند. و شاید به این زودیها متوجه فاصله نجومی میان اندیشه سنتی ایران و فکر متجدد جهانگیر امروز نمی‌شد.

امروز می‌دانیم که تجدد هر چند مفهومی تاریخی است و در جریان تحولات تاریخی غرب ظهرور کرده اما آنقدرها هم مقید به زمان نیست، یعنی مقید به تقدم و تأخیر زمانی نیست. مفهوم تجدد بیشتر یک ساخت فکری است، یعنی در حکم یک ساختمان نوبنیادی است که مصالح بنایی آن هیچ شباهتی با مصالح ابینیه سابق ولحق ندارد و به علت همین بی‌سابقه بودن قضیه، متفکران ما نگران این هستند که چگونه باید عمل کرد تا بتوان ذهن مردم این مرز و بوم کهن سال را به‌سوی صراط الزامی تجدد سوق داد.

و خلاصه کلام، از این به بعد، مسئله‌ای که ما با آن رویه‌رو هستیم این طور مطرح می‌شود که چگونه می‌توان هم ایرانی بود و هم ایرانی مدرن.

## دیداری با هانری کربن\*

سید جلال آشتیانی

از استادان نامدار و بزرگ عصر که سالیان دراز در آلمان تحصیل کرد و بعد از مراجعت به وطن خود دست تقدیر او را به ترکیه و از ترکیه به ایران سوق داد، استاد محقق آقای پروفسور کربن از مردم غیور و اصیل فرانسه است. او به عللی که خود بیان می‌کرد، شوق وافری به شیخ اشراق و آثار او در خود احساس کرد و چندین اثر ارزشمند از شیخ اشراق در مجموعه‌ای به طبع رساند و سرنوشت او را به ایران رهنمون شد و متن آثار شیخ اشراق را در ایران با حواشی و تعلیقات در دسترس طالبان علم قرار داد.

بنده حقیر در ۱۳۳۷ به مشهد مشرف شدم و اولین اثر خود را در آنجا به نام هستی از نظر فلسفه و عرفان منتشر کردم. این کتاب را در مدرسه نواب، حجره مغفورله آقای عبادی واعظ، در کمتر از بیست روز نوشتم و در چاپخانه خراسان آن زمان به مساعدت مدیر چاپخانه، مرحوم آقای محمد صادق طهرانیان، که بسیار نیک نفس بود و در چاپ چند اثر دیگر حقیر نیز با نهایت لطف و عنايت مرا یاری کرد، چاپ کردم. او در غربت سرگردان شد و زندگی او و فرزندش به تاراج رفت و آنان با پریشانی و عسرت به سر می‌برندند که «بر سکندر نیز بگذرد آتجه بر دارا گذشت».

مغفورله دکتر علی اکبر فیاض، استاد بزرگ عصر خود، می‌گفت:

از کربن نباید به مستشرق تعبیر کرد. او استاد بزرگی است که قدرت فوق العاده و ذوق خاص در انتخاب معادل الفاظ فلسفی و عرفانی به

\* این مقاله از نوار سخنرانی که به مناسبت پزرجگاشت هانری کربن ایراد شده، پیاده گردیده است.